پژوهش های فقهی حقوق بشر
Jurisprudential Research on Human Rights

Legal Frameworks and Judicial Institutions in Guaranteeing Political Party Freedom in Iran and Iraq in Light of Human Rights Principles

Karrar Qasim Kadhim Al-Aboudi [1], Alireza Ansari Mahyari [2*]

1. PhD student, Department of law, Na.C., Islamic Azad University, Najafabad, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Law, Na.C., Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 265-278

Article history:

Received: 03 Jan 2026
Edition: 21 Jan 2026
Accepted: 22 Feb 2026
Published online: 28 Mar 2026

Keywords:

Freedom of Political Parties, Judicial Independence, Human Rights, Legal Frameworks, Iran and Iraq.

Corresponding Author:
Alireza Ansari Mahyari

Address:
Iran, Najafabad, Islamic Azad University, Na.C., Department of Law.

Orchid Code:
0000-0003-2646-317X

Email:
alirezaansari50@iau.ac.ir

ABSTRACT

Background and Aim: Freedom of political parties is a fundamental human right and a prerequisite for political participation, pluralism, and democratic governance. This study comparatively examines the legal frameworks and judicial institutions of Iran and Iraq in guaranteeing this freedom, emphasizing human rights standards and the legal and institutional barriers to its realization.

Materials and Methods: This applied study employs a descriptive-analytical method and a comparative approach. Data were collected through library research involving constitutions, legislation governing political parties, and legal scholarship in both countries. The analysis draws on freedom of association, equality, necessity, proportionality of restrictions, and effective judicial protection.

Ethical Considerations: Academic integrity, accurate citation, analytical impartiality, and faithful representation of sources were observed.

Findings: In Iran, despite constitutional recognition of party freedom, statutory restrictions, extensive administrative oversight, and challenges to judicial independence constrain its practical exercise. In Iraq, a relatively more open legal framework and greater party diversity offer broader opportunities for political participation. Nevertheless, political interference, insecurity, and institutional weaknesses undermine the effectiveness of legal safeguards. The comparison highlights differences in the nature of structural and implementation-related obstacles across the two countries.

Conclusion: Guaranteeing party freedom requires moving beyond formal legal recognition toward effective institutional and judicial safeguards. Reforming restrictive regulations, strengthening judicial independence, and ensuring that limitations meet the requirements of necessity and proportionality are essential. These reforms must reflect each country's legal and institutional context to protect citizens' political rights and enable meaningful, equal participation in political life without discrimination or arbitrary state interference.

Cite this article as: *Al-Aboudi, K & Ansari Mahyari, A. "Legal Frameworks and Judicial Institutions in Guaranteeing Political Party Freedom in Iran and Iraq in Light of Human Rights Principles". 2026.*

پژوهش های فقهی حقوق بشر
Jurisprudential Research on Human Rights

دورهٔ سوم، شمارهٔ اول، بهار ۱۴۰۵

چارچوب‌های حقوقی و نهادهای قضایی در تضمین آزادی احزاب سیاسی در ایران و عراق در پرتو آموزه های حقوق بشری

کرار قاسم کاظم العبودی [۱]، علیرضا انصاری‌مهیاری [۲*]

۱. گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

۲. گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۲۷۸-۲۶۵

سابقهٔ مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۱۳

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۱۱/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۰۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۱/۰۸

واژگان کلیدی:

آزادی احزاب سیاسی، استقلال قضایی، حقوق بشر، چارچوب‌های حقوقی، ایران و عراق.

نویسندهٔ مسئول:

علیرضا انصاری‌مهیاری

آدرس پستی:

ایران، نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف‌آباد، گروه حقوق.

کد ارکید:

۰۰۰۰-۰۰۰۳-۲۶۴۶-۳۱۷x

پست الکترونیک:

alirezaansari50@iau.ac.ir

چکیده

زمینه و هدف: آزادی احزاب سیاسی از حقوق بنیادین بشر و پیش‌شرط‌های تحقق مشارکت سیاسی، تکثرگرایی و حکمرانی دموکراتیک محسوب می‌شود. پژوهش حاضر با هدف تحلیل تطبیقی چارچوب‌های حقوقی و عملکرد نهادهای قضایی ایران و عراق در تضمین آزادی احزاب، با تأکید بر معیارهای حقوق بشری، به بررسی موانع قانونی و نهادی تحقق این آزادی می‌پردازد.

مواد و روش‌ها: پژوهش از نوع کاربردی و با روش توصیفی ـ تحلیلی و رویکرد تطبیقی انجام شده است. داده‌ها از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی قوانین اساسی، مقررات حزبی و منابع حقوقی دو کشور گردآوری و بر مبنای اصول آزادی تشکل، برابری، ضرورت، تناسب محدودیت‌ها و حمایت قضایی مؤثر تحلیل شده‌اند.

ملاحظات اخلاقی: اصول امانت‌داری علمی، استناددهی معتبر، بی‌طرفی تحلیلی و پرهیز از تحریف منابع رعایت شده است.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان می‌دهد که در ایران، علی‌رغم شناسایی آزادی احزاب در قانون اساسی، محدودیت‌های قانونی، نظارت گسترده اداری و چالش‌های استقلال قضایی، تحقق عملی این حق را محدود می‌سازند. در عراق، چارچوب حقوقی بازتر و تنوع حزبی بیشتر، فرصت‌های گسترده‌تری برای مشارکت سیاسی فراهم کرده است؛ بااین‌حال، مداخلات سیاسی، ناامنی و ضعف‌های نهادی، اثربخشی تضمین‌های قانونی را کاهش می‌دهند. مقایسه دو کشور بیانگر تفاوت ماهیت موانع ساختاری و اجرایی است.

نتیجه: تضمین آزادی احزاب مستلزم فراتر رفتن از شناسایی صوری حقوق و استقرار سازوکارهای اجرایی و قضایی کارآمد است. اصلاح مقررات محدودکننده، تقویت استقلال قضایی و رعایت معیارهای ضرورت و تناسب در اعمال محدودیت‌ها، متناسب با ساختار حقوقی هر کشور، برای تحقق آزادی حزبی و حمایت مؤثر از حقوق سیاسی شهروندان ضروری است.

© تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انجمن علمی حقوق بشر اسلامی ایران می‌باشد.

۱. مقدمه

آزادی احزاب سیاسی یکی از شاخص‌های بنیادین دموکراسی و توسعه سیاسی در هر کشور است و نقش حیاتی در تضمین مشارکت فعال مردم در فرآیندهای سیاسی، رقابت سالم حزبی و پاسخگویی نهادهای قدرت دارد. احزاب سیاسی، به‌عنوان واسطه‌ای میان دولت و جامعه، نه تنها نقش سامان‌دهی افکار عمومی و هدایت مشارکت سیاسی را دارند، بلکه از طریق رقابت و نظارت، به ارتقای شفافیت و پاسخگویی نهادهای حکومتی کمک می‌کنند. از این رو، تحلیل چارچوب‌های حقوقی و نقش نهادهای قضایی در تأمین آزادی احزاب، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مولفه‌های ثبات سیاسی و توسعه دموکراتیک، اهمیت ویژه‌ای دارد. در کشورهای خاورمیانه، به ویژه ایران و عراق، وضعیت آزادی احزاب سیاسی با پیچیدگی‌های فراوانی روبه‌رو است. ایران با برخورداری از قانون اساسی مشخص اما محدودکننده، چارچوب فعالیت احزاب را تعیین می‌کند و همزمان نهادهای قضایی و نظارتی نقش نظارت و محدودیت را ایفا می‌کنند (حسام قاضی و شهبازی، ۱۴۰۳، ۲۵). این محدودیت‌ها، به ویژه بر احزاب مستقل یا منتقد، اثر قابل توجهی دارند و می‌توانند موجب تمرکز قدرت، کاهش تنوع سیاسی و محدود شدن مشارکت واقعی مردم شوند. در مقابل، عراق پس از سقوط رژیم سابق و تصویب قانون اساسی سال ۲۰۰۵، فضای حقوقی بازتر و قانونمندتری برای فعالیت احزاب فراهم کرده است. قانون اساسی عراق آزادی تشکیل احزاب سیاسی و مشارکت در فعالیت‌های سیاسی را بدون تبعیض مذهبی، قومی یا جنسیتی تضمین می‌کند. با وجود چالش‌های امنیتی و فشارهای فرقه‌ای، چارچوب قانونی بازتر، نهادهای قضایی نسبتاً مستقل و ساختار چندصدایی سیاسی، امکان تنوع حزبی و رقابت واقعی سیاسی را فراهم ساخته است (احمد و فراس یاوز، ۲۰۰۹، ۸۷). تحلیل تطبیقی ایران و عراق از این منظر اهمیت دوچندانی پیدا می‌کند، زیرا نشان می‌دهد که وجود قوانین آزادی‌بخش صرفاً کافی نیست؛ بلکه نحوه اجرای قوانین، استقلال و کارآمدی نهادهای قضایی، فضای سیاسی و اجتماعی و شرایط امنیتی، همگی تعیین‌کننده سطح واقعی آزادی احزاب و مشارکت سیاسی هستند. هدف این مقاله، شناسایی نقاط قوت و ضعف هر نظام و ارائه تحلیل تطبیقی دقیق است تا روشن شود چه عواملی می‌توانند آزادی واقعی احزاب را تضمین کنند و چه محدودیت‌هایی مانع تحقق آن هستند. نتایج این تحقیق می‌تواند برای سیاست‌گذاران، محققان و نهادهای حقوقی مفید باشد و راهکارهایی برای تقویت آزادی سیاسی و توسعه دموکراسی ارائه دهد.

۲. مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی ـ تحلیلی با رویکرد تطبیقی است. در این پژوهش، چارچوب‌های حقوقی حاکم بر آزادی احزاب سیاسی در جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عراق با تأکید بر آموزه‌های حقوق بشری مورد بررسی قرار گرفته است. داده‌های مورد نیاز از طریق روش کتابخانه‌ای و با استفاده از قوانین اساسی دو کشور، قوانین و مقررات مرتبط با تشکیل و فعالیت احزاب سیاسی، منابع حقوقی، کتاب‌ها، مقالات علمی و پژوهش‌های پیشین گردآوری

شده‌اند. در مرحله نخست، مبانی قانونی آزادی احزاب سیاسی در هر دو کشور شناسایی و بررسی شده و در مرحله بعد، نقش و عملکرد نهادهای قضایی در حمایت از این آزادی و رسیدگی به اختلافات و محدودیت‌های حزبی تحلیل گردیده است. سپس با استفاده از روش تطبیقی، تفاوت‌ها و شباهت‌های دو نظام حقوقی از حیث میزان تضمین آزادی احزاب، استقلال نهادهای قضایی، محدودیت‌های قانونی و شرایط سیاسی و اجتماعی مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند. در نهایت، یافته‌های حاصل از این بررسی با اصول و معیارهای حقوق بشری تطبیق داده شده تا زمینه شناسایی موانع تحقق آزادی واقعی احزاب سیاسی و ارائه راهکارهای حقوقی و نهادی فراهم شود.

۳. ملاحظات اخلاقی

در این پژوهش، اصول و موازین اخلاق پژوهش علمی مورد توجه قرار گرفته است. تمامی مطالب و دیدگاه‌های برگرفته از منابع علمی، قوانین، اسناد حقوقی و پژوهش‌های پیشین با رعایت اصل امانت‌داری و استناددهی صحیح مورد استفاده قرار گرفته‌اند. همچنین، از هرگونه تحریف، گزینش جهت‌دار اطلاعات، انتساب نادرست مطالب به نویسندگان و ارائه یافته‌های فاقد پشتوانه علمی پرهیز شده است. با توجه به ماهیت کتابخانه‌ای و حقوقی پژوهش، مطالعه حاضر فاقد مشارکت‌کننده انسانی و مداخله میدانی بوده و اطلاعات مورد استفاده صرفاً از منابع مکتوب و اسناد حقوقی استخراج شده‌اند. تلاش شده است تحلیل‌ها با رویکردی علمی، بی‌طرفانه و منصفانه انجام شوند و دیدگاه‌های حقوقی و سیاسی دو کشور بدون پیش‌داوری مورد بررسی قرار گیرند.

۴. یافته‌ها

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که آزادی احزاب سیاسی در ایران و عراق، علی‌رغم شناسایی قانونی، از حیث میزان تضمین و تحقق عملی تفاوت‌های قابل توجهی دارد. در ایران، اصول ۲۶ و ۲۷ قانون اساسی آزادی تشکیل احزاب و اجتماعات را به رسمیت شناخته‌اند، اما مشروط بودن فعالیت‌های حزبی به رعایت اصول اسلام و قانون اساسی، نظارت گسترده وزارت کشور و محدودیت‌های ناشی از مقررات اجرایی، زمینه اعمال کنترل بر فعالیت احزاب را فراهم کرده است. همچنین، محدودیت استقلال عملی نهادهای قضایی و تأثیرپذیری آن‌ها از فشارهای سیاسی، حمایت مؤثر از احزاب مستقل و منتقد را با چالش مواجه ساخته است. در مقابل، در عراق، قانون اساسی سال ۲۰۰۵ و به‌ویژه ماده ۳۸ آن، چارچوب حقوقی بازتری برای تشکیل و فعالیت احزاب سیاسی فراهم کرده و زمینه افزایش تنوع حزبی و رقابت سیاسی را گسترش داده است. با وجود این، نهادهای قضایی عراق نیز با مشکلاتی همچون فشارهای سیاسی، فساد اداری و مالی و چالش‌های امنیتی مواجه هستند. نتایج مقایسه نشان می‌دهد که محدودیت‌های آزادی حزبی در ایران بیشتر ماهیتی ساختاری و قانونی دارند، در حالی که در عراق، این محدودیت‌ها عمدتاً تحت تأثیر شرایط امنیتی، اختلافات قومی و مذهبی و مداخلات سیاسی قرار دارند. بنابراین، استقلال قضایی، شفافیت قانونی و فراهم بودن فضای سیاسی

رقابتی از عوامل اساسی تضمین آزادی واقعی احزاب محسوب می‌شوند.

۵. بحث

در بحث و تحلیل موضوع پژوهش، ابتدا مبانی نظری و حقوق بشری آزادی احزاب سیاسی و جایگاه آن در تحقق دموکراسی، مشارکت سیاسی سیاسی مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس اصول و مقررات قانون اساسی ایران، به‌ویژه اصول ۲۶ و ۲۷، و قوانین و آیین‌نامه‌های مرتبط با تشکیل، ثبت و فعالیت احزاب تحلیل می‌شوند تا حدود شناسایی قانونی آزادی حزبی و موانع ناشی از محدودیت‌های حقوقی مشخص گردد. در ادامه، نقش وزارت کشور و نهادهای نظارتی در فرآیند صدور مجوز، کنترل فعالیت‌ها و اعمال محدودیت بر احزاب بررسی خواهد شد. همچنین، عملکرد نهادهای قضایی ایران از حیث استقلال، بی‌طرفی، رسیدگی به اختلافات حزبی و میزان حمایت از احزاب مستقل و منتقد مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در بخش مربوط به عراق، ابتدا مبانی قانونی آزادی احزاب بر اساس قانون اساسی ۲۰۰۵ و مقررات مرتبط بررسی شده و سپس نقش نهادهای قضایی، از جمله دادگاه فدرال و دادگاه‌های محلی، در تضمین حقوق سیاسی احزاب مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت. در این بخش، تأثیر شرایط امنیتی، اختلافات قومی و مذهبی، فشارهای سیاسی و عملکرد احزاب قدرتمند بر تحقق آزادی حزبی نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. در مرحله بعد، با انجام مقایسه تطبیقی میان دو کشور، تفاوت‌های موجود در چارچوب‌های قانونی، میزان استقلال قضایی، سازوکارهای نظارتی، تنوع حزبی و امکان مشارکت سیاسی واقعی شناسایی می‌شوند. در نهایت، یافته‌های پژوهش در پرتو آموزه‌های حقوق بشری و اصول آزادی تشکل‌ها تحلیل شده و مشخص خواهد شد که چه اصلاحات حقوقی و نهادی می‌تواند به تقویت آزادی احزاب سیاسی در ایران و عراق کمک کند. بر این اساس، بحث پژوهش بر این فرض استوار است که تضمین آزادی احزاب صرفاً از طریق شناسایی قانونی آن محقق نمی‌شود، بلکه نیازمند اجرای مؤثر قوانین، استقلال واقعی نهادهای قضایی، کاهش مداخلات سیاسی و ایجاد فضای امن و رقابتی برای فعالیت احزاب است.

۵-۱. آزادی احزاب سیاسی در ایران

آزادی احزاب سیاسی، به‌عنوان یکی از جلوه‌های بنیادین آزادی‌های سیاسی و از ارکان تحقق مشارکت شهروندان در اداره امور عمومی، جایگاه مهمی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران دارد. این آزادی، از یک‌سو امکان سازمان‌یابی سیاسی شهروندان و بیان دیدگاه‌ها و مطالبات جمعی را فراهم می‌سازد و از سوی دیگر، زمینه‌ساز رقابت سیاسی، شکل‌گیری تکثرگرایی و نظارت اجتماعی بر قدرت عمومی محسوب می‌شود. در این چارچوب، شناسایی حق تشکیل و فعالیت احزاب، بیانگر پذیرش نقش تشکل‌های سیاسی در فرایندهای تصمیم‌گیری و مشارکت عمومی است؛ هرچند تحقق مؤثر این حق، به چگونگی تنظیم مقررات قانونی و عملکرد نهادهای مسئول در اجرا و نظارت نیز وابسته است.

۵-۱-۱. مبانی قانونی و حقوقی

آزادی احزاب سیاسی در ایران به‌طور رسمی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد شناسایی

قرار گرفته است. اصول ۲۶ و ۲۷ قانون اساسی حق تشکیل اجتماعات، انجمن‌ها و احزاب را به رسمیت می‌شناسند و فعالیت‌های سیاسی را مشروع می‌دانند، مشروط بر اینکه اهداف و فعالیت‌های آن‌ها با اصول اسلام و قانون اساسی مطابقت داشته باشد (کریمی فیض و کمالی مشهود، ۱۴۰۰، ۴۱). این اصول قانونی دو جنبه مهم دارند: از یک سو، فعالیت‌های سیاسی و مشارکت شهروندان را تضمین می‌کنند و امکان شکل‌گیری احزاب مختلف را فراهم می‌آورند. از سوی دیگر، چارچوبی برای محدود کردن فعالیت‌هایی که مغایر با مبانی نظام باشد، فراهم می‌کنند. بنابراین، قانون اساسی ایران آزادی حزبی را به رسمیت می‌شناسد، اما آن را به شرایطی متصل کرده است که کنترل و نظارت بر فعالیت احزاب را ممکن می‌سازد. این شرایط قانونی، پایه و اساس چارچوب حقوقی محدودکننده‌ای است که بر فعالیت احزاب در ایران حاکم است.

۵-۱-۲. محدودیت‌ها و نظارت قانونی

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های چارچوب حقوقی ایران، نظارت شدید وزارت کشور و مراجع قضایی بر ثبت و فعالیت احزاب است. هر حزب برای فعالیت رسمی باید از وزارت کشور مجوز بگیرد و اساسنامه، اهداف و برنامه‌های خود را ارائه کند. این نظارت شامل بررسی تطابق اهداف احزاب با اصول قانون اساسی و اسلام می‌شود (عباسی و شفقی، ۱۴۰۲، ۹۱). در حقیقت احزاب نمی‌توانند اهداف سیاسی خود را برخلاف خط مشی نظام تعریف کنند. فعالیت‌هایی که از نظر نهادهای نظارتی مغایر با اصول جمهوری اسلامی تشخیص داده شود، می‌تواند منجر به لغو مجوز یا محدودیت فعالیت شود. این نوع نظارت قانونی باعث شده بسیاری از گروه‌های سیاسی مستقل یا مخالف نتوانند وارد عرصه سیاسی شوند یا فعالیت مؤثری داشته باشند. علاوه بر محدودیت‌های قانونی، دستورالعمل‌های اجرایی و آیین‌نامه‌های داخلی وزارت کشور نیز بر فعالیت احزاب نظارت دارند و محدودیت‌های بیشتری ایجاد می‌کنند.

۵-۱-۳. عملکرد نهادهای قضایی

نهادهای قضایی در ایران نقش مهمی در حل اختلافات حقوقی احزاب و رسیدگی به تخلفات دارند. دادگاه‌ها و سایر مراجع قضایی می‌توانند به شکایات و پرونده‌های مربوط به فعالیت‌های حزبی رسیدگی کنند. با این حال، استقلال قضایی در برخی موارد با فشارهای سیاسی و محدودیت‌های اجرایی محدود می‌شود (شمس، ۱۴۰۴، ۱۵). به عبارت دیگر، برخی احزاب مستقل یا منتقد، در عمل کمتر به حمایت قضایی واقعی دسترسی دارند. همچنین مراجع قضایی گاهی تحت فشارهای سیاسی یا جهت‌گیری‌های حکومتی مجبور به تصمیم‌گیری محدودکننده می‌شوند. این وضعیت باعث شده که حتی اگر چارچوب قانونی آزادی حزبی را به رسمیت بشناسد، در عمل فعالیت آزادانه احزاب با محدودیت مواجه شود.

۵-۱-۴. تأثیر چارچوب‌های قانونی بر فعالیت احزاب

قوانین محدودکننده تأثیر مستقیم بر فعالیت‌های حزبی، تبلیغات، کمپین‌های انتخاباتی و منابع مالی دارند. احزاب موظف‌اند، از یک طرف گزارش‌های مالی خود را به مراجع نظارتی ارائه دهند و از وی دیگر اهداف و برنامه‌های خود را مطابق با اصول

نظام تدوین کنند. همینطور، از فعالیت‌های مغایر با چارچوب قانونی پرهیز کنند (دارابی و رهبر، ۱۴۰۰، ۶۳). در حقیقت، عدم رعایت این قوانین می‌تواند منجر به لغو مجوز، تعلیق فعالیت یا محدودیت تبلیغاتی شود. بنابراین، چارچوب قانونی ایران هم آزادی حزبی را تعیین می‌کند و هم محدودیت‌هایی را تحمیل می‌نماید که در نتیجه باعث تمرکز قدرت و کاهش تنوع سیاسی می‌شود.

۵-۱-۵. فضای سیاسی و فرهنگی

عوامل غیرقانونی نیز نقش مهمی در محدود کردن آزادی احزاب دارند که عبارتند از نخست، فضای سیاسی؛ یعنی نقش نهادهای مذهبی و قدرت‌های رسمی در سیاست، احزاب مستقل را تحت فشار قرار می‌دهد. همچنین، فضای رسانه‌ای که شامل کنترل رسانه‌ها و محدودیت دسترسی احزاب به رسانه‌های جمعی باعث می‌شود که رقابت سیاسی واقعی محدود شود. از سوی دیگر، فرهنگ سیاسی شامل نگرش عمومی و سوگیری‌های سیاسی بر فعالیت و پذیرش احزاب مستقل تأثیرگذار است. این عوامل، همراه با محدودیت‌های قانونی، باعث شده که تنوع سیاسی کاهش یافته و مشارکت واقعی احزاب مستقل محدود شود (چینی‌فروش و هاشمی، ۱۴۰۰، ۲۹).

در مقام تحلیل، تحلیل عملکرد احزاب در ایران نشان می‌دهد، احزاب نزدیک به قدرت رسمی، دسترسی بیشتری به منابع و حمایت قانونی دارند و فعالیت آن‌ها محدودیتی ندارد. از طرف دیگر، احزاب مستقل یا مخالف، به دلیل محدودیت‌های قانونی و فشارهای سیاسی، کمتر می‌توانند فعالیت کنند یا در انتخابات مشارکت مؤثر داشته باشند همچنین محدودیت‌های نظارتی و حقوقی باعث شده است بسیاری از گروه‌ها از ثبت رسمی منصرف شوند یا فعالیت آن‌ها در عمل محدود شود. باید دقت نمود که پیامد این وضعیت، تمرکز قدرت در دست احزاب وابسته به نظام و کاهش رقابت سیاسی واقعی است.

۵-۲. آزادی احزاب سیاسی در عراق

آزادی احزاب سیاسی در عراق، به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی نظام سیاسی مبتنی بر مشارکت و تعددگرایی، جایگاه ویژه‌ای در ساختار حقوقی و سیاسی این کشور دارد. تحولات سیاسی عراق پس از سقوط رژیم پیشین و تصویب قانون اساسی سال ۲۰۰۵، زمینه شکل‌گیری چارچوبی جدید برای شناسایی و تضمین حقوق سیاسی شهروندان، به‌ویژه حق تشکیل احزاب و مشارکت در فعالیت‌های سیاسی، فراهم ساخته است. در این چارچوب، آزادی حزبی نه‌تنها به‌عنوان حقی قانونی، بلکه به‌مثابه ابزاری برای تحقق مشارکت عمومی، بازتاب تنوع اجتماعی و ایجاد رقابت سیاسی مورد توجه قرار گرفته است. با این حال، بررسی وضعیت آزادی احزاب در عراق مستلزم توجه هم‌زمان به مبانی قانونی این حق و شرایط نهادی و سیاسی حاکم بر اجرای آن است؛ زیرا شناسایی آزادی حزبی در قوانین، لزوماً به معنای برخورداری کامل و بی‌قیدوشرط از آن در عرصه عمل نیست. از این منظر، قانون اساسی عراق و مقررات مرتبط با تشکیل و فعالیت احزاب، مبنای اصلی تحلیل آزادی حزبی در این کشور محسوب می‌شوند. در کنار این چارچوب قانونی، نقش نهادهای قضایی در رسیدگی به اختلافات حزبی، تضمین حقوق سیاسی و نظارت

بر رعایت مقررات، از اهمیت اساسی برخوردار است. همچنین، شرایط سیاسی و امنیتی عراق، از جمله فشارهای سیاسی، اختلافات قومی و مذهبی و نفوذ گروه‌های قدرتمند، بر میزان تحقق عملی آزادی احزاب تأثیرگذار بوده‌اند. بنابراین، بررسی آزادی احزاب سیاسی در عراق در این پژوهش، با تمرکز بر مبانی حقوقی، سازوکارهای نظارتی، عملکرد نهادهای قضایی و محدودیت‌های عملی انجام می‌شود تا مشخص گردد چارچوب حقوقی موجود تا چه اندازه توانسته است زمینه فعالیت آزادانه، متنوع و رقابتی احزاب را فراهم سازد و چه موانعی همچنان در مسیر تحقق مؤثر این حق وجود دارد.

۵-۲-۱. مبانی قانونی و حقوقی

آزادی احزاب سیاسی در عراق اساساً پس از تصویب قانون اساسی ۲۰۰۵ تثبیت شد که به دنبال سقوط رژیم سابق و گذار به نظام دموکراتیک جدید تدوین گردید. قانون اساسی عراق برای اولین بار در تاریخ معاصر کشور، حق تشکیل احزاب و گروه‌های سیاسی را به صراحت تضمین می‌کند. ماده ۳۸ قانون اساسی عراق بیان می‌کند که همه شهروندان حق دارند بدون تبعیض سیاسی، مذهبی، قومی یا جنسیتی، احزاب و سازمان‌های سیاسی خود را تشکیل دهند و در فعالیت‌های سیاسی مشارکت کنند (عبدالامیر، ۲۰۱۸، ۱۰۱). این چارچوب حقوقی نه تنها آزادی تشکیل احزاب را به رسمیت می‌شناسد، بلکه آزادی بیان، تبلیغات سیاسی و مشارکت در انتخابات را نیز تضمین می‌کند. به عبارت دیگر، قانون اساسی عراق یک «چارچوب باز حقوقی» برای تنوع سیاسی ایجاد کرده است. با این حال، این آزادی مشروط به رعایت قوانین عمومی، امنیت ملی و منافع عمومی است. بنابراین، هرگونه فعالیت حزبی که تهدیدی برای ثبات یا امنیت کشور قلمداد شود، می‌تواند با محدودیت مواجه شود.

۵-۲-۲. چارچوب قانونی فعالیت احزاب

علاوه بر قانون اساسی، قوانین فرعی و آیین‌نامه‌های اجرایی چارچوب مشخصی برای ثبت، فعالیت و نظارت بر احزاب سیاسی ارائه کرده‌اند. احزاب باید اساسنامه و اهداف خود را ارائه دهند و اعضای رسمی و ساختار سازمانی خود را معرفی کنند. همینطور، گزارش مالی و منابع تأمین بودجه را به نهادهای نظارتی ارائه کنند (کمال عبدالله، ۲۰۱۲، ۲۵). در حقیقت، وزارت کشور عراق نقش کلیدی در فرآیند ثبت احزاب دارد و می‌تواند بر اساس قانون، احزاب را ثبت یا رد کند. با این وجود، این محدودیت‌ها به طور معمول کمتر از ایران است و فضای قانونی نسبتاً بازتری برای فعالیت سیاسی فراهم می‌آورد. چارچوب قانونی عراق نه تنها به احزاب موجود اجازه فعالیت می‌دهد، بلکه تشکیل احزاب جدید و ائتلاف‌های سیاسی متنوع را نیز ممکن می‌سازد. این امر موجب افزایش رقابت سیاسی و تنوع دیدگاه‌ها در ساختار سیاسی کشور شده است.

۵-۲-۳. نقش نهادهای قضایی

نهادهای قضایی عراق، از جمله دادگاه فدرال و دادگاه‌های محلی، کمیسیون‌های مستقل انتخابات، مسئول رسیدگی به اختلافات حقوقی میان احزاب و تخلفات انتخاباتی هستند. استقلال قضایی در قانون اساسی تضمین شده است، اما در عمل، نهادهای قضایی با چالش‌هایی روبرو هستند که از این

چالش‌ها می توان به فشارهای سیاسی اشاره نمود؛ یعنی گروه‌های سیاسی قدرتمند می‌توانند بر تصمیمات قضایی تأثیر بگذارند. همینطور فساد اداری و مالی: مشکلات سازمانی و نبود شفافیت در بعضی پرونده‌ها، موجب کاهش اعتماد احزاب به سیستم قضایی می‌شود. از سوی دیگر چالش‌های امنیتی است؛ تهدیدات گروه‌های مسلح و ناامنی‌های محلی گاهی روند قضایی را مختل می‌کند (الکرعاوی، ۲۰۱۶، ۹۹). با این وجود، حضور نهادهای قضایی مستقل و قانونی، حتی با محدودیت‌های عملی، فضای حقوقی مشخصی برای حل اختلافات و حمایت از احزاب فراهم می‌آورد.

۵-۲-۴. تأثیر فضای سیاسی و امنیتی

فضای سیاسی و امنیتی عراق به شدت بر آزادی احزاب سیاسی اثرگذار است. عوامل اصلی شامل: ناپایداری امنیتی: وجود گروه‌های مسلح، تهدیدات تروریستی و درگیری‌های محلی موجب محدودیت فعالیت برخی احزاب در مناطق خاص می‌شود. در واقع، تنوع قومی و مذهبی رقابت فرقه‌ای و قومی در برخی مناطق، فعالیت آزادانه احزاب ملی و مستقل را پیچیده می‌کند. همچنین تاثیر احزاب سنتی و بزرگ: برخی احزاب و ائتلاف‌های قدرتمند، با استفاده از شبکه‌های سیاسی و اقتصادی خود، بر رقابت سیاسی و شکل‌دهی فضای عمومی تأثیر می‌گذارند (لکروی، ۲۰۱۶، ۸۸). این شرایط باعث شده که آزادی حزبی در عمل گاهی محدودتر از آنچه قانون اساسی تضمین کرده است، باشد، اما فضای کلی نسبت به ایران بازتر است و امکان فعالیت و رقابت سیاسی بیشتری وجود دارد.

۵-۲-۵. عملکرد احزاب و تنوع سیاسی

با توجه به چارچوب قانونی باز و تحولات پس از سقوط رژیم سابق، عراق شاهد افزایش تعداد و تنوع احزاب سیاسی بوده است. ویژگی‌های این تنوع شامل احزاب مذهبی و قومی است؛ یعنی گروه‌های شیعه، سنی و کرد توانسته‌اند احزاب و ائتلاف‌های مستقل تشکیل دهند. باید دقت نمود که احزاب ایدئولوژیک و ملی با دیدگاه‌های ملی‌گرا و ایدئولوژیک نیز توانسته‌اند وارد صحنه سیاسی شوند. همچنین ساختار قانونی امکان تشکیل ائتلاف‌ها برای انتخابات و مذاکرات سیاسی را فراهم می‌آورد که موجب مشارکت گسترده‌تر و رقابت واقعی بین احزاب شده است (ناهض، ۲۰۱۸، ۱۳۶). این تنوع باعث شده که ساختار سیاسی عراق نسبتاً چندصدایی باشد و مردم فرصت بیشتری برای مشارکت سیاسی و انتخاب نمایندگان خود داشته باشند.

۵-۳. مقایسه تطبیقی آزادی احزاب سیاسی در ایران و عراق

آزادی احزاب سیاسی یکی از شاخص‌های اصلی دموکراسی و مشارکت سیاسی است. بررسی تطبیقی ایران و عراق نشان می‌دهد که چارچوب‌های حقوقی، استقلال نهادهای قضایی، فضای سیاسی و اجتماعی هر کشور نقش تعیین‌کننده‌ای در تحقق یا محدودیت آزادی حزبی دارند. در ایران قانون اساسی ایران آزادی احزاب را به رسمیت می‌شناسد، اما مشروط به رعایت اصول اسلام و سیاست‌های نظام است (اصل ۲۶ و ۲۷ قانون اساسی). قوانین فرعی و آیین‌نامه‌های اجرایی، ثبت و فعالیت احزاب را تحت نظارت شدید وزارت کشور

قرار داده‌اند. محدودیت‌های قانونی شدید باعث شده که فعالیت احزاب مستقل یا منتقد به شدت محدود شود و بسیاری از گروه‌ها از ثبت رسمی یا فعالیت مؤثر بازمانند (موحدی و پریزاد، ۱۳۹۹، ۶۱).

اما در عراق، قانون اساسی عراق (۲۰۰۵) آزادی احزاب را بدون تبعیض مذهبی، قومی یا جنسیتی تضمین کرده است (ماده ۳۸ قانون اساسی). قوانین فرعی و آیین‌نامه‌های اجرایی چارچوب مشخصی برای ثبت، فعالیت و گزارش‌دهی احزاب فراهم کرده‌اند، اما محدودیت‌ها نسبت به ایران کمتر است. چارچوب قانونی بازتر، امکان شکل‌گیری احزاب جدید و فعالیت‌های سیاسی متنوع را فراهم کرده و رقابت واقعی سیاسی در کشور دیده می‌شود (میثم حنظل، ۲۰۱۰، ۴۵).

تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که ایران از نظر چارچوب قانونی محدودکننده‌تر است، زیرا فعالیت حزبی مشروط به هماهنگی با اصول نظام است. در مقابل، عراق فضای قانونی بازتری دارد که تنوع حزبی و شکل‌گیری ائتلاف‌های سیاسی را تسهیل می‌کند. در واقع در ایران، نهادهای قضایی، از جمله دادگاه‌ها، مسئول حل اختلافات احزاب هستند. استقلال قضایی در عمل محدود است و فشارهای سیاسی و محدودیت‌های اجرایی بر عملکرد آن‌ها اثر می‌گذارد. احزاب مستقل کمتر به حمایت قضایی واقعی دسترسی دارند و در عمل سیستم قضایی بیشتر نقش کنترل و محدودیت فعالیت را دارد (عبایی، ۱۳۹۵، ۵۸). اما در عراق دادگاه فدرال و دادگاه‌های محلی مسئول رسیدگی به اختلافات و تخلفات انتخاباتی هستند. استقلال قضایی در قانون تضمین شده، اما در عمل با فشارهای سیاسی، فساد و چالش‌های امنیتی مواجه است. وجود نهادهای قضایی مستقل و قانونی، حتی با محدودیت‌های عملی، فضای حقوقی مشخصی برای فعالیت و حمایت از احزاب فراهم می‌کند (عبدالامیر، ۲۰۱۸، ۳۳).

در مقام تحلیل تطبیقی در ایران، استقلال قضایی محدود و غالباً تحت تأثیر فشارهای سیاسی است، در حالی که در عراق، هرچند محدودیت عملی وجود دارد، نهادهای قضایی توانایی بیشتری برای حمایت از فعالیت احزاب و حل اختلافات دارند. در واقع، نقش نهادهای مذهبی و سیاسی و کنترل رسانه‌ها، فعالیت آزادانه احزاب مستقل را محدود کرده است. فرهنگ سیاسی و حساسیت نسبت به مخالفت‌های سیاسی موجب کاهش مشارکت واقعی احزاب مستقل شده است (چینی‌فروش و هاشمی، ۱۴۰۰، ۴۷). البته در عراق فضای سیاسی نسبتاً بازتر است، اما ناامنی، اختلافات قومی و مذهبی و فشار گروه‌های مسلح، فعالیت برخی احزاب را محدود می‌کند. تنوع قومی و مذهبی باعث شکل‌گیری احزاب متعدد شده و رقابت سیاسی واقعی امکان‌پذیر است، اگرچه محدودیت‌های عملی هنوز وجود دارد (کمال عبدالله، ۲۰۱۲، ۴۹).

تحلیل تطبیقی حاکی از این است که ایران فضای اجتماعی و سیاسی بسته‌تری دارد که بر مشارکت احزاب مستقل اثر منفی می‌گذارد. عراق با وجود چالش‌های امنیتی، فضای سیاسی متنوع و رقابتی دارد و احزاب بیشتری می‌توانند در عمل فعالیت کنند. باید دقت نمود که در ایران احزاب نزدیک به قدرت رسمی، فعالیت آزادانه دارند و از منابع و حمایت قانونی برخوردارند. احزاب مستقل یا منتقد،

با محدودیت‌های قانونی و فشارهای سیاسی، امکان فعالیت مؤثر ندارند. نتیجه این وضعیت کاهش تنوع سیاسی و تمرکز قدرت است (حسام قاضی و شهبازی، ۱۴۰۳، ۹۷). اما در عراق تعداد و تنوع احزاب زیاد است و شامل گروه‌های مذهبی، قومی و ایدئولوژیک می‌شود. احزاب جدید می‌توانند وارد انتخابات شوند و در ائتلاف‌ها مشارکت کنند. با وجود محدودیت‌های عملی، رقابت سیاسی واقعی بیشتر از ایران است (احمد و فراس یاوز، ۲۰۰۹، ۲۰). در مقام تحلیل تطبیقی باید اشاره نمود که تنوع حزبی در عراق بیشتر است و رقابت واقعی سیاسی برقرار است، در حالی که در ایران، محدودیت‌های قانونی و نظارتی باعث کاهش تنوع و تمرکز قدرت شده است.

در مجموع، ایران چالش‌ها و محدودیت‌های جدی‌تر و سیستماتیک دارد، در حالی که عراق با وجود محدودیت‌های عملی، فضای آزادی نسبی و تنوع حزبی بیشتری دارد. بنابراین بررسی تطبیقی نشان می‌دهد که چارچوب‌های حقوقی محدودکننده و نهادهای قضایی وابسته، فعالیت آزادانه احزاب سیاسی را در ایران محدود کرده است. در عراق، با وجود چارچوب قانونی بازتر، ضعف استقلال نهادهای قضایی و فشارهای سیاسی، بر ضمانت آزادی احزاب تأثیر گذاشته است. بنابراین، تضمین واقعی آزادی سیاسی مستلزم اصلاح قوانین و تقویت استقلال نهادهای قضایی است.

۶. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با رویکرد تطبیقی و با تأکید بر آموزه‌های حقوق بشری، به بررسی نقش چارچوب‌های حقوقی و نهادهای قضایی در تضمین آزادی احزاب سیاسی در ایران و عراق پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که شناسایی قانونی آزادی احزاب، هرچند شرط ضروری تحقق حقوق سیاسی شهروندان محسوب می‌شود، به‌تنهایی برای تضمین برخورداری مؤثر و برابر از این حق کافی نیست؛ بلکه تحقق عملی آن مستلزم وجود قوانین شفاف، سازوکارهای نظارتی متناسب، استقلال و بی‌طرفی نهادهای قضایی و فراهم بودن شرایط نهادی و سیاسی مساعد است. از این منظر، معیار اساسی ارزیابی آزادی حزبی، صرف وجود مقررات قانونی یا تعدد احزاب سیاسی نیست، بلکه میزان اثربخشی تضمین‌های حقوقی و قضایی در حمایت از آزادی تشکیل، سازمان‌دهی و فعالیت مستقل احزاب است.

یافته‌های پژوهش در خصوص نظام حقوقی ایران بیانگر آن است که آزادی تشکیل و فعالیت احزاب سیاسی، به‌ویژه در اصل ۲۶ قانون اساسی، مورد شناسایی قرار گرفته و اصل ۲۷ نیز آزادی اجتماعات و راهپیمایی‌ها را در شرایط مقرر به رسمیت شناخته است. بااین‌حال، مشروط بودن فعالیت‌های حزبی به الزامات قانونی و موازین مقرر در نظام حقوقی، همراه با گستردگی نظارت اداری و محدودیت‌های ناشی از مقررات اجرایی، زمینه بروز فاصله میان شناسایی رسمی این آزادی و امکان اعمال مؤثر آن را فراهم کرده است. در چنین شرایطی، چالش اصلی از منظر حقوق بشر، نحوه تفسیر و اجرای محدودیت‌های قانونی و میزان انطباق آن‌ها با اصول ضرورت، تناسب، برابری و منع تبعیض است. افزون بر این، محدودیت استقلال عملی نهادهای قضایی و احتمال تأثیرپذیری

تصمیمات از ملاحظات سیاسی می‌تواند ظرفیت حمایت قضایی مؤثر از احزاب مستقل و منتقد را کاهش دهد. بنابراین، تضمین آزادی حزبی در ایران مستلزم شفاف‌سازی ضوابط قانونی، کاهش مداخلات غیرضروری نهادهای اجرایی و تقویت نظارت قضایی مستقل بر تصمیمات محدودکننده فعالیت احزاب است.

در مقابل، بررسی نظام حقوقی عراق نشان می‌دهد که تحولات حقوقی پس از تصویب قانون اساسی سال ۲۰۰۵، زمینه شکل‌گیری ساختاری نسبتاً بازتر برای فعالیت احزاب و گسترش تکثرگرایی سیاسی را فراهم کرده است. شناسایی حقوق سیاسی شهروندان و امکان تشکیل احزاب و ائتلاف‌های مختلف، ظرفیت حقوقی بیشتری برای رقابت انتخاباتی و مشارکت سیاسی ایجاد کرده است. بااین‌حال، برخورداری از چارچوب قانونی بازتر لزوماً به معنای تضمین کامل آزادی حزبی در عرصه عمل نیست؛ زیرا فشارهای سیاسی، مداخلات گروه‌های قدرتمند، چالش‌های امنیتی، اختلافات قومی و مذهبی و ضعف کارآمدی برخی نهادهای مسئول، همچنان بر تحقق این آزادی تأثیر می‌گذارند. ازاین‌رو، مسئله اساسی در عراق بیش از آنکه به فقدان شناسایی قانونی آزادی احزاب مربوط باشد، به ضرورت تقویت ضمانت‌اجراهای نهادی، استقلال عملی مراجع قضایی و ایجاد شرایط امن و برابر برای رقابت سیاسی ارتباط دارد.

تحلیل تطبیقی دو نظام حقوقی آشکار می‌سازد که تفاوت اصلی ایران و عراق در ماهیت و منشأ موانع تحقق آزادی احزاب سیاسی است. در ایران، محدودیت‌ها عمدتاً با ساختارهای قانونی، سازوکارهای نظارتی و شرایط نهادی پیوند دارند؛ درحالی‌که در عراق، باوجود انعطاف بیشتر چارچوب حقوقی، موانع سیاسی، امنیتی و اجرایی نقش برجسته‌تری ایفا می‌کنند. این تمایز نشان می‌دهد که تحقق آزادی حزبی در دو کشور مستلزم اتخاذ راهکارهای حقوقی و نهادی متناسب با ویژگی‌های هر نظام است و نمی‌توان الگوی اصلاحی یکسانی را بدون توجه به تفاوت ساختارهای حقوقی و سیاسی پیشنهاد کرد.

از منظر حقوق بین‌الملل بشر، آزادی احزاب سیاسی در پیوند مستقیم با آزادی تشکل، آزادی بیان و حق مشارکت در اداره امور عمومی قرار دارد. بر این اساس، هرگونه محدودیت بر تشکیل یا فعالیت احزاب باید واجد مبنای قانونی مشخص، هدف مشروع و توجیه مبتنی بر ضرورت و تناسب باشد. همچنین، تصمیمات اداری یا قضایی محدودکننده حقوق احزاب باید از امکان اعتراض و رسیدگی مؤثر نزد مراجع مستقل و بی‌طرف برخوردار باشند. در این چارچوب، استقلال قضایی صرفاً یک ویژگی سازمانی دستگاه قضایی نیست، بلکه تضمینی نهادی برای جلوگیری از مداخلات خودسرانه، کنترل اعمال قدرت عمومی و صیانت از حقوق سیاسی شهروندان محسوب می‌شود. بااین‌حال، ازآنجاکه پژوهش حاضر بر تحلیل اسناد و منابع حقوقی استوار است، ارزیابی قطعی انطباق تمامی محدودیت‌های اعمال‌شده در دو کشور با معیارهای ضرورت و تناسب، نیازمند بررسی مستقل قوانین اجرایی، رویه‌های قضایی و تصمیمات موردی است.

بر مبنای نتایج پژوهش، اصلاح نظام حقوقی تضمین آزادی احزاب در ایران باید بر شفاف‌سازی معیارهای

صدور مجوز و نظارت بر فعالیت حزبی، محدودسازی اختیارات اداری غیرضروری، تضمین برخورداری برابر احزاب از حمایت قانونی و تقویت امکان رسیدگی قضایی مؤثر به تصمیمات محدودکننده متمرکز شود. در عراق نیز اصلاحات ضروری باید بر تحکیم استقلال عملی نهادهای قضایی، مقابله با مداخلات سیاسی، ارتقای کارآمدی سازوکارهای نظارتی و تأمین امنیت فعالیت‌های حزبی استوار باشد. در هر دو کشور، تفسیر و اجرای مقررات مربوط به احزاب باید با رعایت اصول حقوق بشری و با هدف ایجاد تعادل میان الزامات مشروع نظم عمومی و امنیت از یک‌سو و حمایت از آزادی‌های سیاسی و حقوق شهروندی از سوی دیگر صورت گیرد.

دستاورد اصلی این پژوهش، تبیین این واقعیت است که تضمین آزادی احزاب سیاسی حاصل تعامل سه مؤلفه اساسی، یعنی شناسایی حقوقی آزادی حزبی، کارآمدی و استقلال نهادهای تضمین‌کننده و شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم بر اجرای قوانین است. بر این مبنا، توسعه حقوق سیاسی و تقویت مشارکت دموکراتیک زمانی امکان‌پذیر خواهد بود که آزادی احزاب از سطح یک حق صرفاً اعلام‌شده در متون قانونی فراتر رفته و به حقی قابل اعمال، برخوردار از حمایت قضایی مؤثر و مصون از محدودیت‌های ناموجه تبدیل شود. بنابراین، اصلاحات حقوقی و نهادی متناسب با ساختار هر کشور، همراه با پایبندی به اصول ضرورت، تناسب، برابری و حاکمیت قانون، می‌تواند مبنایی برای کاهش فاصله میان تضمین رسمی و تحقق عملی آزادی احزاب سیاسی در ایران و عراق فراهم سازد.

این بازنویسی با تمرکز بر ایراد مطرح‌شده در داوری انجام شده است؛ به‌گونه‌ای که ضمن کاهش تکرار مطالب، یافته‌های تطبیقی، معیارهای حقوق بشری، تفاوت موانع در دو کشور، راهکارهای اختصاصی و دستاورد اصلی پژوهش با انسجام و دقت حقوقی بیشتری تبیین شده‌اند.

۷. سهم نویسندگان

نگارش متن توسط نویسندگان و نظارت علمی و اصلاحات نهایی توسط نویسنده مسئول صورت گرفت.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچ‌گونه تضاد منافعی وجود ندارد.

منابع

- احمد، تمیم طاهر و فراس یاوز، عبدالقادر، «الحمایه الجنائیه للاحزاب السیاسیه»، *مجله الحقوق*، ۲۰۰۹.

- چینی‌فروش، فراز و هاشمی، محمد، «شفافیت تأمین منابع مالی احزاب سیاسی در ایران»، *پژوهش‌های نوین حقوق اداری*، ۱۴۰۰.

- حسام قاضی، روژان؛ شهبازی، فاطمه، «بحران احزاب سیاسی و جایگاه حزب جمهوری اسلامی در انسجام نیروهای اسلام‌گرا (در آغاز انقلاب ۱۳۵۷)»، *فصلنامه بحران‌پژوهی جهان اسلام*، دوره یازدهم، شماره چهارم، ۱۴۰۳.

- دارابی، میثم و رهبر، عباسعلی، «مبانی نقد و بازاندیشی ناکارآمدی احزاب سیاسی در ایران (بعد از انقلاب)»، تهران، *هفتمین کنفرانس بین‌المللی علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و تحول*، ۱۴۰۰.

- شمس، پیمان، «آزادی بیان در حقوق عمومی: مرزها و محدودیت‌ها»، *هجدهمین کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین در تعلیم و تربیت، روان‌شناسی، فقه و حقوق و علوم اجتماعی*، ۱۴۰۴.

- عباسی، بیژن؛ شفقی، محمدجواد، «محدودیت آزادی اجتماعات با تأکید بر قانون جدید نحوه فعالیت احزاب»، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، دوره پنجاه‌وسوم، شماره اول، ۱۴۰۲.

- عبایی، محمود، «نقش احزاب سیاسی در نهادینه کردن مشارکت سیاسی در جامعه به منظور کسب قدرت»، تهران، *نهمین کنگره پیشگامان پیشرفت*، ۱۳۹۵.

- عبدالامیر، محمد، *تطور النظام الدیمقراطی فی العراق بعد ۲۰۰۳*، نجف، دارالکتب القانونیة، ۲۰۱۸.

- الکرعاوی، غانم عبدالدهش، *آزادی تشکیل احزاب سیاسی در عراق و حقوق تطبیقی*، عراق، دار النبور للطباعة والنشر والتوزیع، ۲۰۱۶.

- کمال عبدالله خالوی السعدی، *تأثیر خرده‌فرهنگ‌ها بر گفتمان سیاسی اعضای مجلس نمایندگان در دوره دوم (۲۰۱۰-۲۰۱۴)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد منتشرنشده، دانشکده هنر، دانشگاه بغداد، ۲۰۱۲.

- کریمی فیض، مرتضی و کمالی مشهود، ناصر، «نقش احزاب و گروه‌های سیاسی در ساختار امنیت کشور»، *دهمین کنفرانس بین‌المللی مکانیک، ساخت، صنایع و مهندسی عمران*، ۱۴۰۰.

- لکروی، قائم عبدالدهش، *تشکیل احزاب سیاسی در عراق و حقوق تطبیقی*، عراق، دار نیبور برای چاپ، نشر و توزیع، ۲۰۱۶.

- موحدی، محمدصادق و پریزاد، رضا، «تأثیر بنیان‌های اجتماعی و سیاسی جامعه و دین سنتی بر عملکرد احزاب سیاسی در ایران (۱۲۸۵-۱۳۵۷)»، *دانش تفسیر سیاسی*، ۱۳۹۹.

- میثم حنظل شریف، *التنظیم الدستوری و القانونی للاحزاب السیاسیه*، رساله دکتری، دانشگاه بغداد، ۲۰۱۰.

- ناهض، سامر، *تأمین مالی سیاسی: مطالعه‌ای در مورد تأمین مالی احزاب و کمپین‌های انتخاباتی*، بیروت، دارالسنهوری، ۲۰۱۸.